

ربودن ناوچه تبرزین:

آخرین دسته گل "ارتش مکتبی"

پس از ورود بنی‌صدر و مسعود رجوی به خاک فرانسه و تقاضای پناهندگی از آن کشور، و رد تقاضای جمهوری اسلامی در استرداد آنان از طرف دولت فرانسه، روابط دو کشور تیره شد. ایواشان و حزب اللهی‌های رژیم در مقابل سفارت فرانسه بی‌توجه‌گردند و تفرق برآه انداختند. رژیم مفلوک و درمانده جمهوری اسلامی بی‌میل نبود که رونوشت طرح سفارت آمریکا را در اینجا پیاده کند و نمایشنامه "ضد امپریالیستی" جدیدی بروی صحنه آورد. انقلاب چهارم (بدنیال انقلاب اسلامی) اشغال سفارت آمریکا و ریاست جمهوری رجایی را از جعبه‌های مارگری مخفی شده در زیر میز و پدر آورد ولی رژیم جمهوری اسلامی نقد رید بختی و گری فتاری داشت و "دانشجویان پیرو خط امام" در ارگانه‌های سرکوب آنچنان مشغله داشتند که روی صحنه آوردن تکلیف‌شهره "ضد امپریالیستی" دیگر، مقرون بصرفه نبود. و مهم‌تر از این، پشم کلاه "ضد امپریالیست" بودن رژیم اسلامی مدتهاست که ریخته و کمترین اعتقادی در نزد خود ندارند. بنا بر این، سردمداران رژیم در نماز جمعه‌های دانشگاه تهران، "امت همیشه بیدار در صحنه" را تشویق کردند که با حضور خود در مقابل سفارت فرانسه علیه امپریالیسم فرانسه شعار دهند (اوج حضور امت در مقابل سفارت فرانسه و بعد از نماز جمعه بود که تعداد آن از ۵ هزار نفر تجاوز نمی‌کرد). البته رهبران فراموش نکردند که در ضمن به "امت" توصیه کنند که "حتی به دیوار سفارت هم نزدیک نشوند".

دولت میتران برای اینکه به سرنوشت دولت گارتزر دچار نشود (اشغال سفارت - مبارزه ضد امپریالیستی - مرگ بر آمریکا، مرگ بر گارتزر - بالاخره تحویل گروگانها به گارتزر)، از در سازش درآمد: بنی‌صدر را از هرگونه تماس با روزنامه نگاران فرانسوی و صاحبان آنها و "انجمن هرگونه فعالیت سیاسی" منع کرد و فرانسوا میتران انتخاب رجایی را بر ریاست جمهوری بلافاصله تبریک گفت و بالاخره در دهم مرداد، سه ناوچه موشک انداز را که مدتها در بندر شربورگ توقیف بود روانه ایران کرد.

تمام این "آوانس"ها، خشم دولت جمهوری اسلامی را فرو نشاند و وزارت خارجه جمهوری اسلامی به "سفیر فرانسه" دستور داد که ظرف سه روز خاک ایران را ترک کند. دولت فرانسه، موافقت را قاطع و دستوراتی که کلیه اتباع آن خاک ایران را ترک کنند، دولت مکتبی نه شرقی و نه غربی، سیاسی و دستبازچه شد و بطوریکه در صفحات روزنامه‌ها و در صدا و سیما جمهوری اسلامی بکرات دیدیم، به "ظلم کرد" افتاد و بمعنای رسیدگی به امور مالی و حقوقی، "خرج اتباع فرانسوی چند روز به تأخیر انداخت تا شاید با مذاکره با مقامات فرانسوی، دولت فرانسه از تصمیم خود

منصرف شده، ولی نتیجه‌ای نگرفت. فرانسویان در دگر و گره خاک ایران را ترک کردند. مرغهای سفارت فرانسه که میتوانستند تضمین‌های طلایی برای گروگانگیری بگذارند، از نفس پریزند، بنی‌صدر و رجوی در خاک فرانسه باقی ماندند. وقتی که در همین هواپیما حامل فرانسویان در فرودگاه "ورلی" بزمین نشست، منع هرگونه تماس با روزنامه نگاران فرانسوی و صاحبان آنها و انجام هرگونه فعالیت سیاسی در خاک فرانسه، بصورت "دوفاکتو" لغو شد. اظهارنظرها و مصاحبه‌های بنی‌صدر و رجوی با مطبوعات و رادیو تلویزیونهای فرانسوی از سرگرفته شد.

کلاه گشاد دیگری که بزرگ مفلوک و بی‌لیاقت مکتبی رفت، بوده شدن حداقل یک ناوچه موشک انداز (ناوچه "تبرزین") از سه ناوچه‌ای بود که دولت فرانسه آزاد کرد. جالب است که بدانیم این ناوچه ۳۴ ساعت پس از بزمین نشستن آخرین هواپیما حامل فرانسویان در فرودگاه پاریس و ۱۴ روز پس از حرکت ناوچه‌ها از بندر شربورگ، ریخته شده بود. وقتی که صفحات روزنامه‌ها و اخبار رادیو تلویزیونی سرتاسر جهان این خبر را ساعت به ساعت بمشغولان مهمترین خبر روز نقل کردند، رژیم درمانده جمهوری اسلامی ۳۴ ساعت در این زمینه مطلق سکوت کرد و پس از آن، صدا و سیما جمهوری اسلامی این خبر را "رسم" تکذیب کرد و سرانجام چاره‌ای جز این ندید که با شرم ساری آنرا تأیید کند.

ربودن ناوچه "تبرزین" بدین شکل انجام شد که در ریاسلار حبیب‌اللهی، آخرین فرمانده نیروی دریایی در زمان شاه، به‌مراه عده‌ای بین ۱۵ تا ۴۰ نفر (به روایات مختلف) از افسران سابق نیروی دریایی با یک یدک کشتی اسپانیایی به ناوچه‌ها نزدیک شدند. افراد مستقر در یدک کشتی، پس از خلع سلاح ۱۲ حزب اللهی، ناوچه را به تصرف خود درآوردند و آنرا گویا بطرف بندر طنجه در مراکش بردند. بنا به گزارش خبرنگاران و افسران و ملوانان ناوچه، نه تنها در مقابل ریاپندگنان ناوچه کمترین مقاومتی نشان ندادند، بلکه از آنها بشدت استقبال کردند. ربودن ناوچه صلحاً بدون همکاری و همدستی عده داخل ناوچه امکان ناپذیر بود. بدو دلیل مهم:

- ۱- ناوچه موشک انداز که مجهز به تپه‌های قوی بود، برحقی میتوانست در مقابل یک یدک کشتی از خود دفاع کند.
- ۲- ناوچه ۳۳۰ تنی، بجای کسانده شدن بواسطه یدک کشتی، با موتور بسیار قوی خود برحقی قادر بود که یدک کشتی را بدنیالش بکشد. ربودن ناوچه چه تبرزین و همگاری وسیع افسران و ملوانان نیروی دریایی جمهوری اسلامی را ریپندگان ناوچه یکبار بقیه در صفحه ۸

